


بررسی دین‌شناختیِ قادریهٔ معاصر در جنوب خراسان رضوی

عبدالرحیم یعقوب‌نیا* 

محیی‌الدین قنبری**

فرزانه باخدای رودی***

چکیده

با وجود انکار تاریخی حیات طریقتِ قادریه از سوی برخی پژوهشگران در جغرافیای خراسان، مطالعات و مشاهدات در سال‌های اخیر خلاف آن را در برخی شهرهای جنوبی خراسان رضوی نشان می‌دهد. هدف از جستار پیش رو، توصیف و تحلیلی از علل تغییر و تحول فرهنگی این سلسله است که به روش مردم‌نگارانه، با تکیه بر مشاهده، مصاحبهٔ مکرر و حضور میدانی در مجالس عبادی این طریقت با نظر به منابع تاریخی آن انجام شده است. بیان عوامل و موانع پذیرش طریقتِ قادریه در جنوب خراسان رضوی از جمله یافته‌های این جستار است. ناسازگاری محتوای طریقت با نظر برخی دین‌داران و نوگرایی دو عامل اصلی در کاهش گرایش و زمینه‌سازی خاندان شیخ شرف‌الدین احمد قادری و همگونی سلوک عملی این طریقت با فرهنگ منطقه از جمله عوامل رشد آن است و با وجود برخی تغییرها در قادریهٔ معاصر در خراسان نسبت به قادریهٔ کردستان، آیندهٔ آن تحت‌الشعاع عواملی همچون قدرت مخالفان، اقبال موافقان، اقتصاد و دین‌داری مردم در آینده خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: تصوف، قادریه، شیخ رضایی، خراسان رضوی، مستحسنان.

* دانشجوی دکتری عرفان و تصوف اسلامی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران، (نویسنده مسئول) / yaghubniya@semnan.ac.ir

** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور، نیشابور، ایران / drghanbari.m@gmail.com

*** دانشجوی دکتری ادیان و عرفان دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران / farzanebakhoda@yahoo.com

۱. مقدمه

بررسی جنبش‌های و جریان‌های معنوی و صوفیانه و سیر تحول آن‌ها به‌عنوان بخشی از کنشگران فرهنگی در جوامع معاصر از موضوع معمول در مطالعات دینی است. قادریه به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین طریقت‌های عرفانی، در آغاز به حفظ شرایع و سنت بسیار پایبند بود (زرین‌کوب، ۱۳۴۴: ۹۹)، اما با اصلاح آموزه‌ها برای جامعه‌پذیری تلاش کرد و با جدایی از تعصب مذهبی، تساهل و تسامح را در پیش گرفت. برخی منابع به عدم توفیق تشکیل و تداوم این طریقه عرفانی در خراسان اشاره کرده‌اند (کیانی، ۱۳۸۹: ۱۸۳) و شواهدی چون نبود مزار بزرگان این طریقه، مؤید این ادعاست. در برخی کتاب‌ها و مقالات پیشنهادی مختصر از طریقت قادریه ارائه شده است اگر از آثاری کلاسیک چون *نفحات الانس جامی و سفینه الاولیاء* محمد داراشکوه که به مختصری از زندگی عبدالقادر گیلانی اشاره کرده است بگذریم، در دوره معاصر برخی منابع از جمله *طریقت‌های صوفیه ایران* از مدرسی چهاردهی از صفحه ۱۰۲ تا ۱۲۷ ضمن معرفی مختصری از شیخ عبدالقادر گیلانی و آثار او، به شیوه مشرف شدن به طریقت، کیفیت ذکر جلی، مشایخ و مانند آن می‌پردازد. همچنین در کتاب *تاریخ تصوف در کردستان*، نویسنده با بیان کلیاتی از تصوف و عرفان در مجالس قادریه حضور می‌یابد و ضمن معرفی فرقه نقشبندیه و قادریه، به شرح آداب درویشی و آداب صوفیه اشاره می‌کند. به‌جز پژوهش پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته ادیان و عرفان عبدالرحیم یعقوب‌نیا با عنوان *مشرب‌های عرفانی معاصر در جنوب خراسان رضوی* با راهنمایی دکتر دادخدا خدایار (۱۳۹۵) در دانشگاه سیستان و بلوچستان که داده‌هایی کلی درباره چند طریقت از جمله قادریه در خراسان به دست می‌دهد، تاکنون هیچ مطالعه‌ای در رابطه با قادریه در جنوب خراسان رضوی انجام نشده است. پرسش از چگونگی پیدایش طریقت قادریه و تحول آن با رویکردی دین‌شناختی در خراسان رضوی معاصر موضوع اصلی جستار پیش روست. بیان تاریخچه فرقه قادریه و تفاوت‌های قادریه خراسان رضوی با قادریه در کردستان، چگونگی فرازونشیبی که در اقبال به قادریه در منطقه خراسان رضوی بوده و

بررسی عوامل و موانعی که به‌نحو زمینه‌ای در ماهیت و کارکرد سلسله مؤثر بوده، از ابعاد دیگر همان پرسش است. فعالیت گروهی از صوفیان طریقت قادری در شهرهای جنوبی خراسان رضوی از جمله تایباد، تربت‌جام و سنگان در دورهٔ معاصر، نویسندگان را بر آن داشت تا به کسب اطلاعات دقیقی از این گروه بپردازد. بنابراین هدف جستار پیش رو، نگرشی تحولی به چگونگی پیدایش و سیر طریقت قادریه، کمّ و کیف زیست صوفیانه و عسر و حرج‌های آن در شرایط کنونی جامعه و تأثیری بوده است که این نوع زیست بر مراودات و معاملات و زندگی اجتماعی و آداب رسوم می‌گذارد. قراین نشان از به رسمیت شناخته شدن این طریقت از سوی حکومت وقت به‌منظور پذیرش چندفرهنگی در منطقه و آزادی در انجام مناسک عبادی دارد. روش تحقیق متکی بر گزارشی تاریخی از پیشینه و پیدایش سلسله و مشاهده و مصاحبه‌هایی با روش مردم‌نگارانه از طریقت قادریه است؛ اما به‌منظور تدقیق گزارش سعی شد تا داده‌های نو و جامع‌تر، تحلیل‌هایی بر پایهٔ مشاهدهٔ مراسم و شرکت در حلقه‌های ذکر و مصاحبه با بزرگان قادریه در جنوب خراسان رضوی ارائه شود.

۱. پیشینهٔ قادریهٔ خراسان

شیخ محیی‌الدین عبدالقادر الجیلی مشهور به عبدالقادر گیلانی، بنیان‌گذار طریقت قادریه یکی از بزرگ‌ترین سلاسل صوفیه است. وی بنابر تصریح جامی در سال ۴۷۱ق زاده شد و در سال ۵۶۱ق درگذشت (جامی، ۱۳۹۴: ۵۰۷). وی در اصول دین پیرو اشعری و در فقه پیرو شافعی و ابن‌حنبل است و در نزد صوفیان هند و ترک و عراق صاحب کرامات است (خزائلی، ۱۳۴۴: ۳۴۹). او در تطبیق طریقت و شریعت بسیار سختگیر بود. با قدرت یافتن صفویه در ایران و سیاست مشخص در قبال مخالفان فقهی و طریقتی، به تدریج بسیاری از اهل عرفان از ایران مهاجرت کردند. طریقت قادریه پس از عبدالقادر توسط مریدانش در سرزمین‌های اسلامی پراکنده شد و در مصر، مراکش، آسیای صغیر، یمن، هندوستان و ایران پایگاه‌هایی برقرار کرد. در واقع از طریقت قادریه نزدیک به ۲۰ طریقت منشعب شده‌اند (سیدین، ۱۳۸۷: ۲۵۵). قادریهٔ ایران بیشتر در کردستان و

استان‌های غرب کشور ساکن هستند و با آنکه مانند اکثر طریقت‌های صوفیانه، خرقه خود را به حضرت علی (ع) می‌رسانند، به دلیل اینکه حاضر به سب و لعن خلفای ثلاثه نبودند، جز در نواحی مرزی از قبیل کردستان نتوانستند به حیات خود ادامه دهند و به ناچار به خارج از ایران مهاجرت کردند (حاجیان‌پور و پیروزان، ۱۳۹۲). یکی از مشایخی که بعدها برای احیای طریقت قادریه، در خراسان ظهور کرد و نسبش از نزدیک به بیست واسطه به شیخ عبدالقادر گیلانی می‌رسد، خلیفه سید احمد شرف‌الدین القادری است. ایشان در اوایل قرن چهاردهم قمری در روستای جوزقان در دامنه کوه‌های باخرز در نزدیکی مرز افغانستان ساکن شد و به ارشاد مریدان پرداخت (یعقوب‌نیا، مصاحبه با عبدالجلیل خلیفه قادری، ۱۴۰۰/۱۲/۲۲). خلیفه سید احمد در سال ۱۳۳۶ ق درگذشت و در جوار مزار شیخ احمد (ژنده‌پیل) دفن شد. وی چند خلیفه بعد از خود تعیین نمود، اما طریقت در هیچ‌یک از خلفایی که بعد از خود تعیین کرد، بیش از دو نسل ادامه نیافت (یعقوب‌نیا، مصاحبه با عبدالجلیل خلیفه قادری، ۱۴۰۰/۱۲/۲۲). لذا موفقیت‌های نسبی شرف‌الدین القادری و خلفایش و دیگر خلفای مشایخ افغانستانی، زمینه و پایگاه حمایت از گروه‌های قادریه بعدی گردید. از این رو می‌توان آنان را طلایه‌داران طریقت قادریه دوره معاصر دانست. در سال‌های پایانی دهه ۵۰ هجری شمسی شیخ رضایی (خلیفه رضایی) مأمور به احیای طریقت قادریه و نقشبندیه در جنوب خراسان رضوی شد. شیخ عباس رضایی فردی نظامی بود که برای خدمت در هنگ مرزی به منطقه وارد شده بود، وقتی زمینه را برای احیای طریقت قادریه مناسب می‌بیند، با مراسم مولودیه‌خوانی در یکی از مساجد شهر تایباد - مسجد سید احمدشاه (نوه خلیفه شرف‌الدین القادری) - فعالیتش را آغاز می‌کند. استقبال عمومی مردم و بزرگان و برخی علمای منطقه وی را در هدف راسخ‌تر می‌کند (یعقوب‌نیا، ۱۳۹۵: ۹۱).

حاج شیخ عباس رضایی^۱ (شیخ کنونی قادریه خراسان) در سال ۱۳۱۶ ش در روستای «قرّخه گر» ولایت لیلخ کردستان متولد شد. ایشان پس از دریافت مدرک ششم ابتدایی به خدمت نظام درآمد. علاقه به تصوف باعث شده بود که وی این روش را در تمام

مراحل زندگی نصب‌العین خود قرار دهد. این مداومت و عشق باعث شد که در سال ۱۳۵۲ش از شیخ محمد معتصم فرزند شیخ حسام‌الدین مقام ارشاد را در دو طریقهٔ نقشبندیه و قادریه دریافت کند (یونسی، ۱۳۹۰: ۳۲) و در سال ۱۳۵۹ برای خدمت به استان خراسان و از آنجا به منطقهٔ مرزی تایباد منتقل شود. او وقتی زمینهٔ فعالیت را در منطقه مناسب می‌بیند، با وجودی که در دو طریقهٔ نقشبندیه و قادریه اذن ارشاد و دستگیری دارد، طریقت قادریه را برای ارشاد برمی‌گزیند (باخدا، مصاحبه با سرداکرخانه تریب‌جام، ۱۴۰۱/۰۷/۱۵). ایشان بعد از بازنشستگی از خدمت نظام، ساکن شهر بانه در کردستان می‌شود و هم‌اکنون خانقاهی بزرگ در این شهر دارد که هر سال مریدانی از سراسر ایران برای تبرک و تیمن و کسب ارشاد به ایشان مراجعه می‌کنند و برای خانقاه‌های دیگر شهرها سر ذاکر تعیین می‌کند (یعقوب‌نیا، ۱۳۹۵: ۹۷؛ تلخیص از یونسی، ۱۳۹۰).

۲. مقایسه و تحلیل معارف قادریهٔ نخستین با قادریهٔ معاصر

شیخ عبدالقادر گیلانی، تقوای الهی و ملازمت شرع (کتاب و سنت) را مهم‌ترین اصل اساسی طریقت قادری می‌داند و معتقد است: «کل حقیقه لا تشهد لها الشریعة فهی زندقه، طر إلى الحق عزّ و جلّ بجناحی الكتاب و السنة»؛ هر حقیقتی که شرع به آن شهادت ندهد، بدعت است. به‌سوی حق با دو بال کتاب و سنت پرواز کن (عبدالقادر گیلانی، ۱۴۲۶: ۱۸۲). این سختگیری ناشی از قول‌هایی بود که در زمانهٔ وی میان برخی از اهل عرفان رایج شده بود که ملازمت شریعت بعد از وصال به حق را لازم نمی‌دانستند. بیشتر تألیفات وی در عرفان عملی است و بر سبک نوشته‌های قرن پنجم، مبانی عرفان عملی را بیان می‌کند؛ مقامات، احوال، فضایل و رذایل اخلاقی از رئوس مطالب آن است. یکی از کتاب‌های وی، سر‌الأسرار و مظهر الأنوار فیما یحتاج إلیه الأبرار است که در دو فصل ضمن وصیت به فرزندش، خلاصه‌ای از مهم‌ترین مبانی و اصول طریقت قادریه را بیان می‌کند. رعایت ادب و تواضع، مصاحبت با فقرا، اتکا و اطاعت از خدا و رسول (ص)، اطاعت از اولیای خدا، حسن ظن به مسلمانان، کسب حلال، شرکت در نماز جنازه و

رعایت آدابی دیگر را از ویژگی‌های یک صوفی می‌داند و به رعایت آن وصیت می‌کند. تصوف راستین را نیز بر هشت ویژگی می‌داند: بخشندگی، رضایت، صبر، ریزنی، غربت، پشمینه‌پوشی، سیاحت، فقر؛ و هرکدام از این صفات را مختص یکی از انبیای الهی می‌داند؛ برای نمونه فقر را ویژگی خاتم پیامبران(ص) می‌داند (همو، ۱۴۲۸: ۲۸۱). اکثر این احکام و معارف در قادییه امروزی نیز مورد پذیرش است؛ اگرچه برخی از مناسک و معارف آن‌ها امروزه کاربردی ندارد. شیخ رضایی نیز عرفان را عملی ایمانی و عاشقانه می‌داند که از عقل سالم به دست می‌آید و عقل را برای رسیدن به نور معنویت راهنمای عرفان می‌داند. از دیدگاه ایشان عرفان همان شریعت است که از چاشنی معنویت، رابطه و توسل و تربیت نفس بهره می‌برد (یونسی، ۱۳۹۰: ۱۳۲). رسالت نهایی انسان عبادت و عمل به تکالیف شرعی نیست؛ بلکه عبادت برای عبور از مراتب پست حیوانی و تقرب به مراتب رفیع لازمه راه است (همان: ۷۶). ایشان به مسئولیت انسان در قبال اجتماع و امت اشاره می‌کند و از وظایف و رسالات انسان علاوه بر بیداری و مسئولیت در قبال فقرا و بینویان، تلاش برای وحدت بین همدیگر است؛ چراکه سلسله‌گرایی را سیاست دشمنان اسلام می‌داند و برخی تندروها را اجیرشدگان دانشگاه لندن و اسرائیل می‌داند که سعی در بی‌حرمتی به رسول‌الله(ص) دارند (همان: ۱۲۷). ویژگی‌های مرید را عبادات مخلصانه، احسان بی‌شمار، تقوا، پاک‌دامنی، نیک‌نفسی، مبارزه با نفس، تواضع، ذکر، نداشتن کینه و حسد، صداقت و درست‌کاری و کمک به بینویان می‌داند (همان: ۱۰۷). عرفان راستین را بر پایه شریعت می‌داند و لذا برای پیر طریقت تسلط کامل بر شریعت را لازم می‌داند، زیرا گمراهی در شریعت را باعث گمراهی طریقت می‌داند (همان: ۱۰۷). پیر را انسان کاملی می‌داند که دارای فیوضات الهی است و روحش با روح رسول‌الله(ص) سروکار دارد و به این سبب است که می‌تواند دستگیری و راهنمایی کند. در بحث شفاعت به آیه ۱۹ سوره محمد اشاره می‌کند: «ای محمد بخواه از من که خدای تو هستم تا ببخشم برای خودت و برای مؤمنان گناهانشان را» (همان: ۱۲۱).

از تطبیق مناسک دو طریقه معلوم می‌شود که بسیاری آداب و معارف قادریه نخستین اکنون نیز حفظ شده است. رویکرد عملی طریقه و تأکید بر سلوک از جنبه عملی همچنان پررنگ‌تر از جنبه نظری است. اکثر معارف بایدونبایدهایی اخلاقی است که با التزام کامل به شریعت محقق می‌شود و رعایت ادب و تواضع، حسن ظن نسبت به برادران ایمانی و کسب حلال از اموری است که بر آن تأکید می‌کنند. بخشندگی از ویژگی‌هایی است که شیخ عبدالقادر برای مریدان لازم می‌داند. امروزه هم این مسئله توسط مریدان خانقاه قادریه در قالب انجام امور خیریه شاهد هستیم، پخت غذای گرم و توزیع آن بین نیازمندان، مصداق عملی بخشندگی و دیگرخواهی است. ولی سیاحت و پشمینه‌پوشی از مواردی است که در معنای سابق خود کمتر، مورد عنایت است؛ اما قادریه معاصر به برخی از مبانی نظری عرفانی که میراث سنت دوم عرفانی است، مانند جایگاه عقل و توجه به عقلانیت توجه می‌کنند یا به برخی مسائل کلامی که محصول شبهات منتقدان فکری عرفان و تصوف همچون توسل، شفاعت و کرامات می‌پردازند. طریقت قادری ابعاد اجتماعی و سیاسی نیز پیدا کرده است. بعضی از مشایخ قادریه در دوره عثمانی با وجود تقید به مسائل دینی، به سیاست هم گرایش پیدا کردند و در یک دوره برای آزادی کردهای عراق در برابر استعمار انگلیس مبارزه می‌کردند؛ برای مثال شیخ محمود نه‌مُر (جاوید) از آن نمونه است (توکلی، ۱۳۶۰: ۱۵۲). این پیشینه را می‌توان علت برخی سخنان ضداستعماری مشایخ کنونی قادریه نیز دانست. پیدایش رویکرد اجتماعی فرهنگی در قادریه به تدریج از جنبه معنوی و عرفانی این طریقت، تحت زعامت یک پیر فرزانه کاسته و آن را به گروهی سیاسی سوق خواهد داد.

۳. مناسک و مستحسنان قادریه معاصر خراسان رضوی و تفاوت آن با قادریه کردستان

از بررسی، مشاهده و تطبیق مناسک قادریه معلوم می‌شود قادریه خراسان رضوی اقلیتی غیرمؤثر در مناسبات اجتماعی‌اند که پیشینه‌شان از یک سده تجاوز نمی‌کند. خاستگاه اولیه قادریه، سده‌های میانی و سرزمین عراق است. این پیشینه در تعمق به کم و کیف

عملی مناسک اثرگذار است و با وجود شباهت بسیاری از مستحسنتات و مناسک به نظر می‌رسد گسترش طریقت، به‌مرور مخالفانی جدی را پدید آورد.

۳-۱. کیفیت ذکر در قادییه خراسان رضوی

یکی از مهم‌ترین اعمال عبادی قادییه که به‌واسطه آن مورد بیشتر مورد انکار اصحاب شریعت قرار می‌گیرند، ذکر جهری جمعی همراه با قوالی و آلات موسیقی است. شیخ عبدالقادر معتقد است برای ذکر ابتدا باید وضو کامل باشد و با ضربان شدید و صدای قوی ذکر انجام پذیرد تا نورهای ذکر به دل متذکران راه یابد و دل‌هایشان با این نورها زنده شود (عبدالقادر گیلانی، ۱۴۲۸: ۳۰). شیخ رضایی نیز ذکر جهری را با استناد به آیه ۱۳ سوره ملک «شما چه آشکار بگوئید و چه پنهان، من بدان آگاهم» از آن‌رو لازم می‌داند که معتقد است ذکر باید انسان را به حرکت درآورد و کسانی را که مخالفان ذکر جهری هستند، درصدد حذف شور و شوق از مسلمانان می‌داند (یونسی، ۱۳۹۰: ۱۲۸). ذکر همراه با سماع از اصول اساسی طریقت قادییه است؛ به‌طوری‌که مرید غیرذاکر در این طریقه جایی ندارد و به‌سبب همین اهمیت، آداب مخصوص به خود را دارد. ذکر جلی در طریقت قادییه بر دو نوع ذکر «تهلیل» یا «تلیله»^۲ و ذکر «قیام» یا «هره» است. منظور از تهلیل یگانه خواندن خدا یا «لا اله الا الله» گویی با صدای بلند است. اغلب این ذکر در بین دراویش قادییه، هرچند با اندک دگرگونی‌هایی یکسان است و شیوه انجام آن بدین صورت است که «لا» را از شانه راست شروع کرده و با رسیدن به شانه چپ به الله ختم می‌کنند (محمدی، ۱۳۷۹: ۵). این طریقه از تصوف به‌طور کلی ذکر جلی را بر ذکر خفی ترجیح داده است (سلطانی، ۱۳۹۸: ۲۳۸). در بزم‌های ذکر سماعی یا قیامی هدف، محو کردن خودآگاهی و رسیدن به ناخودآگاهی است و در بزم مجلسی، ایجاد شور و حال و جذب در حالت خودآگاهی (محمدی، ۱۳۷۹: ۲۵). اما با توجه به اینکه کیفیت مناسک عملی در هر منطقه، متأثر از فرهنگ بومی و محلی است، به نظر می‌رسد ذکر در قادییه خراسان رضوی برای تطابق بیشتر با شریعت، در برخی جزئیات تفاوت‌هایی با قادییه در دست‌ان داشته باشد. در خانقاه‌های خراسان، مریدان برای شروع، حلقه‌وار در وسط

خانقاه می‌نشینند و یکی با صدای بلند به تلاوت قرآن می‌پردازد. جمعیت درحالی‌که سرها پایین است با سکوت گوش می‌دهند. سپس سر ذاکر با استعانت از خداوند و گفتن سه مرتبه یا الله و ختم درود شریف «اللهم صلِّ علی سیدنا محمد و آله و صحبه و سلّم» با صدای بلند ذکر را می‌خواند و بقیه تکرار می‌کنند و این ذکر بین ۲۱ تا ۳۵ مرتبه تکرار می‌شود. سپس سورهٔ توحید به صورت جمعی هم‌خوانی می‌شود و همه دست‌ها را زنجیروار به هم می‌گیرند تا گرمی بدن باعث اتحاد و انسجام بیشتر بین مریدان شود. ذکر «لا اله الا الله» شروع می‌شود از طرف پایین‌تنه و بعد به شانهٔ راست و سپس به شانهٔ چپ و درنهایت الله بر قلب وارد می‌شود. تعداد ذکر را سر ذاکر (توان ذاکران) تعیین می‌کند، سپس همه بلند می‌شوند و درحالی‌که دست‌ها به سینه است، ذکر اثبات «الله» به صورت جهری تکرار می‌شود. برخی از ذاکران موهای بلند خود زیر کلاه یا شال پنهان رها می‌کنند. در این مرحله، سر ذاکر وارد ذکر مهیج «یا حی» می‌شود. این ذکر که با دم و بازدم ذاکران تنظیم شده، در واقع با کشیدن هوا به داخل صدای یا (یااااا) و با بازدم و خارج کردن هوا از ریه صدای (حیییی) ادا می‌شود. دم و بازدم جمعی ذاکران، باعث خلق ریتم موزون و آهنگین می‌شود. هماهنگی ذکر با دم و بازدم ذاکران، نشاطی زائدالوصف به آنان می‌دهد. سر ذاکر در وسط حلقه با حرکت برخلاف چرخش ذاکران با پاشیدن گلاب و خوش‌بویی سعی در تهیج بیشتر ذاکران دارد. قوال با صدای زیبا و بلند اشعاری در نعت خدا و پیامبر (ص) می‌خواند. تلفیق دف با قوالی بر شور مجلس می‌افزاید. این تهیج گاهی باعث حالت جذب در مریدان می‌شود که با نعره‌ای از عمق جان بی‌هوش می‌شوند. مدت ذکر به تشخیص سر ذاکر و توان ذاکران از چند دقیقه تا چند ساعت متغیر است. به تدریج صدای دف قطع و ذکر «یا حی» آهسته‌تر می‌شود. درنهایت ذکر با ۱۱ مرتبه لا اله الا الله پایان می‌یابد. با تلاوت آیاتی از قرآن مجید و ایصال ثواب توسط سر ذاکر به پیامبران، خلفا، اهل بیت پیامبر، اولیای طریقت و آرزوی سلامتی برای شیخ طریقه، جلسه خاتمه می‌یابد (یعقوب‌نیا، ۱۳۹۵: ۹۵؛ باخدا، مشاهده خانقاه تربت‌جام، ۱۴۰۱/۰۷/۲۱). این مراسم جمعی به‌نوعی محور اتحاد و عامل حفظ

وحدت مریدان است و علاوه بر آثار روانی، شناسنامه هویتی مریدان منطقه شمرده می‌شود. با استناد به مصاحبه‌های مریدان، سر ذاکرها تلفیق ذکر قیام و هره را برای رعایت حال مریدان (ناهمگن بودن سن و سال و توان ذاکران) انجام می‌دهند. حفظ روحیه مریدان برای شرکت در مراسم عبادی و کسب بهره از این مراسم، باعث شده تا مراسم به‌گونه‌ای برگزار شود تا همه مریدان بهره‌ وافی و کافی را از آن ببرند و مقبول جوانان و کهنسالان شود. بنابر مشاهده پژوهندگان این مقاله، اولین تفاوت ذکر قادریه در جنوب خراسان رضوی تلفیقی از ذکر هره و تهلیل (قیام) قادریه کردستان است. اقبال مردم به ذکر جهری، دف و قوالی ریشه در باورها و میراث فرهنگی اصیل خراسانیان و نوعی رقص آیینی به نام «حَتَن» دارد. حتن، نوعی مراسم آیینی کشاورزی، رمه‌داری و نظامی است؛ یعنی هم برگرفته از معیشت کشاورزی و شبانی و هم متأثر از وظیفه قبیله کوچ رو یا کشاورز یکجانشین در حفاظت و پاسداری از قلمرو خود در برابر دشمنان و مهاجمان است (ر.ک: ثابت‌زاده، ۱۳۸۲). هنگامی که یک حرکت آیینی، صبغه عبادی پیدا کند، شخص با تصویری از وجد و شور که عبادت شمرده می‌شود مواجه است. همین تصور، در فضای خشک اعتقادی و فقهی احناف که قائل به حرام بودن سماع هستند، باعث اقبال عمومی به طریقت شد. دومین تفاوت را می‌توان در اجتناب قادریه خراسان از انجام اعمال خارق‌العاده است. این اعمال که معمولاً در برخی جلسات قادریه کردستان گزارش می‌شود، در بین مریدان خانقاه‌های خراسان، به سبب کاستن از هجمه انتقادی علمای مذهبی و برخی گروه‌های تندرو دیده نمی‌شود؛ اگرچه در کل منکر آن نیستند و در صورت نیاز از سوی شیخ جایز می‌دانند (یعقوب‌نیا، مصاحبه با صوفی حنفی، سرداگر خانقاه سنگان ۱۴۰۲/۰۱/۰۵).

علاوه بر ذکر جمعی که اغلب دو بار در هفته و حتی برای خانم‌ها نیز انجام می‌شود، مریدان یک‌رشته اذکار شخصی و یومیه هم از پیر طریقت دریافت می‌کنند. این اذکار صورت فردی و شخصی دارد. برای هر مرید هم ذکر ویژه تعیین می‌شود و نباید آن را فاش سازد و در واقع «سِرّ مگویی» است که در طریقت‌های دیگر هم مرسوم است

(یعقوب‌نیا، مصاحبه با صوفی مختارزاده سرداگر خانقاه تایباد ۱۴۰۱/۰۷/۲۸؛ باخدا، مصاحبه با مریدان خانقاه تربت‌جام ۱۴۰۱/۰۷/۲۱). این اذکار به جایگاه بی‌بدیل پیر و رسالت تزکیه و تهذیب وی در این طریقت اشاره دارد که به فراخور حال هریک از مریدان، ذکر خاصی را به وی تجویز می‌کند و نشان می‌دهد که در طریق عرفان یک دسته دستورها و رهنمودهای کلی وجود دارد که شخص کامل و مکمل از آن آگاه است.

۲-۳. خانقاه قادریهٔ خلیفه رضایی (بنا، کارکرد آن)

بنابر اظهار مریدان قادری اولین خانقاه در سال ۱۳۷۴ در شهر تایباد ساخته شد؛ سپس خانقاه سنگان و در این اواخر در شهر تربت‌جام هم‌مکانی خریداری و به خانقاه تبدیل شد (باخدا، مشاهده خانقاه تربت‌جام ۱۴۰۱/۷/۲۱؛ یعقوب‌نیا، ۱۳۹۵: ۹۱). به‌لحاظ ظاهری این خانقاه‌ها معماری و یا طرح خاصی ندارند و شبیه ساختمان‌های اطراف‌اند و چنانچه تابلو در آن نصب نشود، تشخیص آن از خانه‌های معمولی ممکن نیست. علت این امر علاوه بر منش و رویکرد صوفیانه می‌تواند ریشه در سعی مریدان برای هم‌زیستی و ساده‌زیستی و همچنین واکنش به مواضع مخالفانی دانست که تلاش در نشان دادن تمایز مریدان این طریقه دارند. مصالح به‌کاررفته در آن، همان آجر و سیمان است. عموم خانقاه‌ها دارای یک صحن باز (حیاط) و یک بنا (ساختمان) است. بزرگ‌ترین خانقاه در شهر تایباد و کوچک‌ترین آن در شهر تربت‌جام است و بنای اصلی آن دارای یک سالن اصلی و بزرگ که محل اجتماع و برپایی مراسم به‌ویژه حلقهٔ ذکر و یک آشپزخانهٔ کوچک برای پخت غذا برای مریدان در شب‌های مراسم و مناسبت‌هاست (مریدان معمولاً شامی ساده مثل عدس‌پلو را بعد انجام مراسم در خانقاه میل می‌کنند). همچنین وضوخانه در حیاط خانقاه وجود دارد؛ خانقاه مانند مساجد دارای محراب است. آنچه باعث تمایز خانقاه از مساجد می‌شود، نصب تمثال مشایخ طریقت و شجره‌نامهٔ طریقت بر دیوار خانقاه و وجود آلات موسیقی مانند دف برای اجرای مراسم و عصایی به رسم سنت نبوی، در هنگام خطابه و ذکر است. برخی خانقاه‌ها هم دارای چله‌خانهٔ کوچکی است که مریدان برای مراقبه در آن قرار می‌گیرند. چله‌خانه در خانقاه از دو جهت قابل

توجه است: اول اینکه نشان‌دهنده قرابت اعمال این طریقت از جهت عملی با تصوف خراسان قدیم است و در ثانی، مبین این موضوع است که مراقبه فردی می‌تواند در انبساط و سلوک روحی مرید اثرگذار باشد و نیازی به معیت دائمی شیخ و پیر ضرورت ندارد. از این منظر که خانقاه صوفیان قادری در خراسان، حضور دائمی و مستمر شیخ و مرید را در خود ندارد، یکی از مهم‌ترین تمایزهای قادریه قدیم با قادریه کنونی را می‌توان دید؛ اما اگر فلسفه حضور و مصاحبت پیر و مراد را دستگیری و راهنمایی از مرید در مسیر سلوک بدانیم، به لطف وسایل ارتباطی پیشرفته امروزی، می‌توان ارتباطی دائمی و روزانه با شیخ در هر جای دنیا برقرار کرد و احوال روحی و روانی مرید و صعوبات سلوک، هر لحظه با شیخ در میان گذاشته شود. خانقاه را می‌توان حلقه اتصال مریدان باهم و مکانی اختصاصی برای اعمال عبادی آن‌ها از جمله نمازهای یومیه، جلسات ذکر دانست (باخدا، مصاحبه، فیض تیموری سرذاکر خانقاه تربت جام ۱۴۰۱/۷/۱۵). خانقاه هر ساله در مناسبت‌های خاص مانند میلاد پیامبر اکرم (ص) میزبان صوفیان و غیرصوفیانی است که در مراسم عمومی مولودی‌خوانی شرکت می‌کنند. علاوه بر این، به مکانی فرهنگی اجتماعی بدل شده که کلاس‌های قرآن و فقه، نماز تراویح و اعتکاف ده شب آخر ماه مبارک و مراسم عروسی‌های سستی مریدان یا مراسم تعزیه اموات در آن برگزار می‌شود. مضاف بر همه موارد، خانقاه پایگاهی برای پخت غذای گرم و توزیع آن بین نیازمندان در آخر هفته‌ها و مناسبت‌ها تبدیل شده است که مریدان سعی دارند قدم را از محدوده مناسک طریقتی فراتر نهاده و اصل دیگرخواهی صوفیانه را برای تقویت پایگاه اجتماعی خود عملی کنند. در این رویکرد، تحول اقتصادی منطقه سنگان و تمکن مالی برخی مریدان اثرگذار بوده است (یعقوب‌نیا مصاحبه، علی یاری مرید خانقاه سنگان، ۱۴۰۱/۰۸/۱۲).

۳-۳. اجتماع سالانه طریقت

بزرگ‌ترین و پرشورترین اجتماع سالانه قادریه خراسان را می‌توان در مراسم مولودی‌خوانی ماه ربیع‌الاول و نیمه‌شعبان دانست؛ این مراسم در اکثر خانقاه‌های این

طریقه در خراسان با برنامه‌ریزی قبلی، به‌صورت باشکوه با دعوت عمومی از مریدان و غیرمریدان علاقه‌مند برگزار می‌شود. مریدان هر خانقاه علاوه‌بر شرکت در مراسم خانقاه‌های هم‌جوار، تلاش دارند تا با کمک به همدیگر مجلس را به‌نحو شایسته برگزار کنند. مجلس با ذکر و مولودخوانی همراه است (باخدا، مشاهده و مصاحبه با مریدان خانقاه تربت‌جام، ۱۴۰۱/۰۷/۲۱). این اجتماع که مهم‌ترین مراسم هر خانقاه در طول سال تلقی می‌شود، از چند جنبه اهمیت دارد و شاید با مراسم مولودی‌خوانی در کردستان تفاوت دارد: اول اینکه به‌طور معمول شیخ طریقت شخصاً حضور دارد. حضور سالیانه شیخ باعث می‌شود تا تقریباً همه مریدان از سایر خانقاه‌ها در مراسم خانقاه میزبان مشارکت کنند؛ چراکه فرصت حضور چندروزه و شرکت در جلسه‌ی ذکر را که شیخ در آن حضور دارد، مغتنم می‌شمارند؛ دوم اینکه دعوت از غیرصوفیان و برگزاری جلسه‌ی ذکر در حضور آن‌ها ضمن باشکوه کردن مراسم به‌نوعی، آن را به بزرگ‌ترین فرصت برای علاقه‌مندانی تبدیل می‌کند تا با شیخ بیعت کنند. به تعبیری می‌توان این جلسه را نشستی برای عضوگیری طریقت به حساب آورد (یعقوب‌نیا، مشاهده و مصاحبه با مریدان خانقاه سنگان ۱۴۰۱/۰۷/۱۵).

۳-۴. آداب ارادت در قادریه خراسان

در طریقت برای مرید و مراد آدابی تعیین کرده‌اند؛ این آداب از گذشته تاکنون در بین طریقت قادریه و آثار این سلسله عرفانی بیان می‌شده و محور همه آن‌ها تابعیت بی‌چون و چرای مرید از مراد است. سیر گسترش قادریه در خراسان از ابتدا تاکنون یکسان نبوده است. اقبال عمومی در سال‌های ابتدایی و دهه هفتاد و هشتاد و سیر نزولی آن در سالیان متأخر، متأثر از عوامل پیدا و پنهانی است که به آن اشاره خواهد شد. حلقات ذکر خانقاه تایباد در گذشته‌ها با بیش از پانصد مرید برگزار می‌شده است (یعقوب‌نیا، ۱۳۹۵: ۹۷)، ولی اکنون این آمار در خانقاه تربت‌جام چیزی بین ۱۰ تا ۱۵ نفر، سنگان ۲۰ تا ۲۵ نفر و تایباد حدود ۳۰ تا ۳۵ نفر است (باخدا، مشاهده و مصاحبه با مریدان خانقاه تربت‌جام، ۱۴۰۱/۰۷/۲۱). در بین مریدان و ذاکران، همه اقشار به‌ویژه معلم، مهندس،

کاسب و کشاورز حضور دارند. اغلب مریدان لباس سفید محلی می‌پوشند، اما برخی از آن‌ها به تبعیت از شیخ رضایی و نشان دادن ارادت خود، از لباس گُردی نیز استفاده می‌کنند (باخدا، مشاهده و مصاحبه با مریدان خانقاه تربت‌جام، ۱۴۰۱/۰۷/۲۱). مریدان به کسب لقمه حلال سفارش می‌شوند و در عروسی‌هایی که به صورت سنتی (عروسی که عقیده بر آن است که در زمانه پیامبر برگزار می‌شده است و استفاده از آلات موسیقی به جز دایره مجاز نیست) شرکت و همکاری می‌کنند و در جشن عروسی‌هایی که با موسیقی برگزار می‌شود، حضور نمی‌یابند. این اجتناب درحالی است که خود از سوی مذهبی‌ها، متهم به برپایی سماع و قوالی هستند. همچنین در مراسم تعزیه برای صرف طعام شرکت نمی‌کنند (یعقوب‌نیا، ۱۳۹۵: ۹۷). به نظر می‌رسد این رفتارهای اجتماعی بیشتر برای هماهنگی و هم‌سویی با برخی گروه‌های مذهبی در منطقه به وجود آمده است. به سبب ارادت و احترام ظاهری و باطنی که مریدان به شیخ عباس رضایی قائل‌اند و از وجود تمثال ایشان در خانقاه‌ها، از سوی مخالفان فکری به‌ویژه برخی گروه‌های افراطی به بدعتی‌ها (با عنوان «پیرپرست» که باعث رنجششان می‌شود) متهم می‌شوند. آنان به اعتراف خودشان حسن ظن به همه مسلمانان دارند. تعدادی از مریدان سالانه و بنا به آنچه آن را توفیق الهی می‌دانند، چندین بار به زیارت پیر در کردستان می‌روند و هیچ ممنوعیتی برای برپاداری حلقات ذکر و مراسم خود از جانب نهادهای حکومتی و امنیتی ندارند (یعقوب‌نیا، ۱۳۹۵: ۱۰۰ و ۱۰۱). مریدان شیخ رضایی از باب احترام و جایگاه ویژه شیخ رضایی، ایشان را «باباجان» (از نظر خودشان به معنای پدر معنوی بزرگوار) خطاب می‌کنند و همواره در گفتار خویش از شیخ رضایی با عناوین «حضرت شیخ» یا «باباجان» یاد می‌کنند و بعد از قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص) عمل مطابق دستور شیخ را لازم و ضروری می‌دانند (باخدا، مصاحبه با مریدان خانقاه تربت‌جام،

۴. مناسک سایر قادیان در جنوب خراسان رضوی

علاوه بر قادریه شیخ رضایی، گروه دیگری به‌عنوان قادریه از مریدان حاج انور هاشمی زنبیلی حلقه ذکر محدودی دارند. این گروه به‌مانند قادریه شیخ رضایی، شب‌های جمعه بعد از نماز عشا حلقه ذکر جهری دارند. سرذاکر این حلقه، آقای خسرو فاضلی در شهر تایباد، طبقه پایین منزل خود را برای برپا داشتن مراسم این حلقه در اختیار مریدان قرار داده است. براساس مشاهدات، آنان نیز مانند قادریه رضاییه، ذکر همراه با دف و دایره دارند که علاوه بر شب‌های جمعه، در شب‌های ۱۲ ربیع‌الاول و شب عاشورا هم به‌صورت عمومی حلقه ذکر برپا می‌کنند و به اطعام عمومی می‌پردازند. این حلقه، جمعیتی ۲۰ تا ۳۰ نفره را تشکیل می‌دهند و سن آن‌ها بین ۲۰ تا ۷۰ سال است (یعقوب‌نیا، ۱۳۹۵: ۱۰۱). با توجه به محدودیت این گروه و اینکه خانقاه مستقل ندارند و در مراسم و اذکار خود تفاوتی با طریقت شیخ رضایی ندارند، به نظر می‌رسد این گروه نتوانسته است موفقیتی در جذب مریدان داشته باشد و برپایی مراسم ذکر در خانه مریدان، بیشتر برای اثبات ارادت شخصی مریدان به شیخ است.

۵. عوامل و موانع رشد قادریه در جنوب خراسان رضوی

بر پایه داده‌ها و مشاهده میدانی نگارندگان در پیوند با میراث‌داران قادری، قادریه در جغرافیای جنوب خراسان تا قبل از قرن چهاردهم هجری وجود مؤثری نداشته است و تنها گروه‌هایی بسیار محدود در دوره متأخر گزارش شده‌اند. فعالیت و تلاش معنوی شیخ شرف‌الدین القادری در قرن چهاردهم و پس از ایشان شیخ عباس رضایی در سالیان اخیر، برخلاف برخی گمانه‌زنی‌های محققان که تداوم مؤثر قادریه را در خراسان منکر شده بودند، طلیعه جریان‌سازی و تداوم قادریه در خراسان را تقویت کرد. موفقیت این جریان مرهون دو دسته عوامل است: در دسته اول می‌توان به قدرت و نفوذ روحی و معنوی شیخ رضایی اشاره کرد و مطابق با اظهار برخی مریدان در خانقاه تربت‌جام، شخصیت خاص و ویژه ایشان در بین همکاران نظامی در سال‌های خدمت، باعث شده بود تا مریدان خاص جذب شخصیت ایشان شوند. برای نمونه سرذاکر خانقاه تربت‌جام،

ارادت برادر شهید خود به شیخ رضایی و سفارش وی را علت گرایش و بیعت خود با ایشان می‌داند (باخدا، مصاحبه با فیض تیموری سرذاکر خانقاه تربت جام، ۱۴۰۱/۰۷/۱۵). علاوه بر آن رویکرد تساهل‌آمیز قادریه به مذاهب فقهی و کلامی، از جمله ایصال ثوابی که در پایان ذکر به ائمه و اهل‌بیت (ع) احترام و زیارت قبور ائمه به‌ویژه مرقد امام رضا (ع)، تأیید برخی از باورهای مردم عادی همچون احترام و زیارت قبور، باعث شده است تا جایگاهی در بین مردم عادی پیدا کرده (یعقوب‌نیا، ۱۳۹۵: ۹۴) و حتی مریدانی شیعه در مجالس این طریقت دیده شوند. علاوه بر آن از ارادت ذاتی مردم خراسان به تصوف عملی و قربت آن با طریقت قادریه در دوره کنونی و حمایت و زمینه‌سازی مشایخ قبلی به‌ویژه خانواده شیخ شرف‌الدین القادری با سرمایه اندوخته اجتماعی در گذشته نزدیک نمی‌توان غافل بود.

مهم‌ترین موانع در سیر گسترش قادریه، مخالفان فکری و اجتماعی آنان و در رأس، برخی افراد و گروه‌های تندرو مذهبی منطقه‌اند که با اصل عرفان مشکل دارند و طریقت‌های عرفانی را متهم به بدعت‌گذاری می‌کنند؛ مثلاً از تکریم قبور اولیا به پیرپرستی تعبیر می‌کنند و ذکر جهری همراه با دف و دایره را بدعت در دین و اعتقاد می‌دانند. افزایش حساسیت از سوی برخی علمای مذهبی منطقه در خصوص برخی آداب و تعالیم آن‌ها نیز باعث شد تا جلسات ذکر که در ابتدا در مساجد برگزار می‌شد، به خانقاه‌ها و جماعت‌خانه‌ها کشیده شود. به نظر می‌آید که علت این حساسیت، علاوه بر جنبه دینی می‌تواند معلول عوامل سیاسی و اجتماعی نیز باشد. اقلیت بودن اهل سنت در ایران و تلاش برای حفظ اتحاد و انسجام درونی، باعث مرجعیت دینی و اجتماعی روحانیون مذهبی در منطقه شده است و لذا هر نوع شائبه که باعث شکاف بین روحانیون و مردم شود، به دیده تهدید نگریسته و از آن نهی می‌شود. بر پایه این طرز فکر، برخی طریقت‌های صوفیانه مانند نقشبندیه هم که اهل سماع و خانقاه نیستند، به دلیل خلل در اتحاد اجتماعی، مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند (حمزئیان و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۰۰).

از دیگر موانع گسترش طریقت، عدم دسترسی به شیخ است. شیخ رضایی در خانقاه مرکزی در شهر بانه کردستان حضور دارند و هر از گاهی برای سرکشی به مریدان به خراسان می‌آیند. مریدان نیز هر از گاهی به مناسبت‌ها و توفیقاتی که نصیب می‌شود به زیارت شیخ در کردستان مشرف می‌شوند (یعقوب‌نیا، ۱۳۹۵: ۹۷)؛ بنابراین مریدان از حضور دائمی شیخ در خانقاه بی‌نصیب‌اند و این در پیوند مرید و مرادی اثرگذار است. هرچند فناوری تا حدودی این مشکل را برای ارتباط و مصاحبت بین مرید و شیخ رفع کرده است، اما حضور و مصاحبت عینی با شیخ در خانقاه به تقویت استحکام پیوند مرید و مرادی تأثیر می‌گذارد و علاوه بر حفظ روحیه مریدان، باعث گسترش طریقت و جذب مریدان جدید می‌شود و بر شور و جذبه مجالس می‌افزاید. دنیاگرایی و کاسته شدن از جنبه‌های معنوی زندگی انسان‌ها و در عصر کنونی و اقبال به زندگی مدرن در کنار عوامل دیگر از مهم‌ترین موانع گسترش طریقتی‌قادریه محسوب می‌شود.

۶. نتیجه‌گیری

برخلاف ادعای برخی محققان که تداوم چنین طریقه‌ای را در خراسان منکر شده بودند، ثابت شد که طریقه‌قادریه با فرازوفرودهایی در صد سال گذشته، در منطقه حضور دارد. هرچند مشایخ اولیه با تلاش خود موفقیتی در ایجاد جریان مداوم کسب نکردند، مطالعات نشان داد که جریان اخیر در این طریقت با خاستگاهی از استان‌های غربی ایران، منسجم‌تر و سازمان‌یافته‌تر از قبل عمل کرده است و موفقیت‌های نسبی نیز حاصل کرده و تأسیس خانقاه و جماعت‌خانه به‌همراه مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، زمینه را برای امیدواری به تداوم این گروه تقویت می‌کند. رویکرد بزرگان طریقت در مواجهه با پاره‌ای از مبانی عرفان نظری همچون عقل در عرفان و مسائل کلامی - اختلافی به‌ویژه توسل، رابطه آقا و باباجان (مراد و مرید) و شفاعت بی‌شک در این تداوم تأثیرگذار خواهد بود. از نکات مؤثر در این تداوم، زمینه‌سازی ارادتمندان به قادریه سابق و به‌ویژه قربت قادریه معاصر در جنبه عملی به آداب و رسوم سنتی خراسانیان همچون آیین‌های رقص و گردهمایی‌ها در پیوند با فرهنگ کشاورزی (آیین حتن) منطقه می‌توان اشاره

کرد. در این میان، از کنار موانع و مخالفان این جریان نیز نمی‌توان به‌سادگی عبور کرد؛ به‌ویژه هر تحول کلی در ذائقه دین‌داری مردم می‌تواند بر آینده‌ی طریقه‌های عرفانی به‌عنوان تابعی از دین تأثیرگذار باشد، کمااینکه مخالفت علمای دینی، تحولات اقتصادی و تغییر در سبک زندگی هم به‌عنوان رقبای این جریان مطرح‌اند.

پی‌نوشت‌ها

۱. حاج شیخ عباس رضایی در بهار ۱۴۰۳ و در فاصله‌ی تنظیم تا پذیرش و چاپ این مقاله، وفات و فرزند دوم ایشان علیرضا رضایی به خلافت بعد ایشان تعیین شد.

2. Talilah

۳. در مصاحبه‌ای که با سر ذاکر خانقاه تربت‌جام از ایشان سؤال شد که به انجام دستورهای شیخ تا چه حد پایبند و متعهدند؟ و در صورت مطابقت نداشتن کلام شیخ با شریعت چه می‌کنید؟ پاسخ داده شد که «به می‌سجاده رنگین کن گرت پیر مغان گوید [که سالک بی‌خبر نبود ز راه و رسم منزل‌ها] (حافظ)» و این شاهد مثال حافظ را برای مطابقت کامل با مرشد و شیخ خود به کار بردند که نشان از جایگاه مخصوص شیخ رضایی در بین ایشان است و این متابعت از شیخ تا آنجا درخور تأمل بود که ایشان باینکه فارس بودند، از لباس کردی در همه وقت استفاده می‌کردند تا اینکه از نظر متابعت ظاهری نیز با شیخ رعایت شده باشد و دیگر آنکه وقتی سؤال شد که آیا به مکان اقامت شیخ در کردستان هم سفر می‌کنند، اشاره کردند که متابعت از دستور و اعمال ایشان در هر جا که باشند بر دیدار ایشان ارجحیت دارد و این خود نکته‌ی ظریفی در ترویج و تداوم این طریقه تاکنون است که ضرورت به خدمت رسیدن شیخ را نمی‌رساند و راه را برای تبعیت همه‌ی اقشار که فرصت دیدار روبه‌رو با شیخ را ندارند، باز می‌کند.

منابع

قرآن کریم.

- توکلی، محمدرئوف. (۱۳۶۰). *تاریخ تصوف کردستان*. تهران: انتشارات اشراقی.
- ثابت‌زاده، منصوره. (۱۳۸۲). *رقص‌های شرق خراسان*. تربت جام: دفترچه‌ی راهنمای لوح فشرده.

بررسی دین‌شناختیِ قادریهٔ معاصر در جنوب خراسان رضوی، ؟ ۳۳۹

جامی، نورالدین عبدالرحمن. (۱۳۹۴). *نفحات الانس من حضرات القادس*. به کوشش محمود عابدی. ج ۷. تهران: انتشارات سخن.

حاجیان‌پور، حمید و پیروزان، هادی. (۱۳۹۲). جایگاه اجتماعی طریقتِ قادریه از پیدایش تا پایان دورهٔ صفوی. *پژوهش‌نامهٔ تاریخ اجتماعی و اقتصادی*، شمارهٔ ۱، ۶۷-۸۸.

حمزئیان، عظیم، قنبری، محیی‌الدین، و یعقوب‌نیا، عبدالرحیم. (۱۳۹۸). مقایسه و ارزیابی آراء نقشبندیه و چشتیهٔ معاصر خراسان رضوی. *پژوهش‌نامهٔ مذاهب اسلامی*، ۶(۱۲)، ۱۹۴-۲۱۳.

خزائلی، محمد. (۱۳۴۴). *شرح گلستان*. ج ۱. تهران: انتشارات احمد علمی.

زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۴۴). *ارزش میراث صوفیه*. ج ۱. تهران: انتشارات آریا.

سلطانی، محمدعلی. (۱۳۹۸). *تاریخ تصوف در کرمانشاهان: قادریه*. تهران: سها.

سیدین، علی. (۱۳۸۷). *پشمینه‌پوشان*. ج ۱. تهران: نشر نی.

کیانی، محسن. (۱۳۸۹). *تاریخ خانقاه در ایران*. ج ۳. تهران: نشر طهوری.

گیلانی، عبدالقادر. (۱۴۲۶ق). *الفتح الربانی و الفیض الرحمانی*. قاهره: مکتبه الثقافة الدینیة.

گیلانی، عبدالقادر. (۱۴۲۸ق). *سر الأسرار و مظهر الأنوار فیما یحتاج إلیه الأبرار*. ج ۲. بیروت: دارالکتب العلمیه.

محمدی، بهروز. (۱۳۷۹). *دف و بزم‌های آن در تکایای قادریه کرمانشاه*. کرمانشاه: انتشارات ماهیدشت.

یعقوب‌نیا، عبدالرحیم. (۱۳۹۵). *بررسی مشرب‌های عرفانی معاصر در جنوب خراسان رضوی*. پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد در رشتهٔ الهیات و معارف اسلامی (ادیان و عرفان). استاد راهنما: دکتر دادخدا

خدایار. دانشگاه سیستان و بلوچستان.

یونسی، فریا. (۱۳۹۰). *عاشق راه خدا*. (درون‌خانقاهی).

مصاحبه‌ها

باخدا، فرزانه. (۱۴۰۱). مصاحبه با سرذاکر خانقاه تربت‌جام: آقای فیض تیموری، سرذاکر خانقاه تربت‌جام. ۱۵ مهر ۱۴۰۱.

باخدا، فرزانه. (۱۴۰۱). مصاحبه با سرذاکر خانقاه تربت‌جام: آقای فیض تیموری، خانقاه تربت‌جام. ۲۱ مهر ۱۴۰۱.

یعقوب‌نیا، عبدالرحیم. (۱۴۰۰). مصاحبه با عبدالجلیل خلیفه قادری. خواف، ۲۲ اسفند ۱۴۰۰.

یعقوب‌نیا، عبدالرحیم. (۱۴۰۱). مصاحبه با مریدان خانقاه سنگان و مشاهدهٔ خانقاه سنگان. ۱۵ مهر ۱۴۰۱.

یعقوب‌نیا، عبدالرحیم. (۱۴۰۱). مصاحبه با سرذاکر خانقاه تایباد: آقای مختارزاده. ۲۸ مهر ۱۴۰۱.

یعقوب‌نیا، عبدالرحیم. (۱۴۰۱). مصاحبه با آقای علی یارپی، مرید خانقاه سنگان. ۱۲ آبان ۱۴۰۱.

□ ۳۴۰ دو فصلنامه مطالعات عرفانی، شماره سی و هشتم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، ص ۳۲۱-۳۴۰

یعقوب‌نیا، عبدالرحیم. (۱۴۰۲). مصاحبه با آقای صوفی احمد حنفی، مرید خانقاه سنگان. ۵ فروردین ۱۴۰۲.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی